

## حسد چیست ؟

گشت زدن در دشت وجود، بایسته‌ای است بر عهده انسان باورمند تا علف‌های هرز کشتزار وجودش را از کشته‌های سودمند، باز شناسد و با وجین مزرعه دل، خَسک‌های بازدارنده را از میان بردارد و خاک آن را در باردهی بیشتر، نیرو بخشد. بایستگی بازشناسی گزندهای جان انسانی و بیمارگونگی‌های خاموش، گونه‌ای است که خودسازی را مهم‌ترین وظیفه انسان در درازنای زندگی‌اش می‌سازد. در این نگاشته، از گزندهای حسادت یاد می‌شود.

؛زاهدِ حاسد، از این راه بروب

؛که حسد در ره پاکان، خَسک است

بد اندیشی و بد خواهی چونان آتش است و از صاحبش جز خاکستر باقی نمی‌گذارد. گسلی است که بنای ایمان بر آن دوام ندارد. مَزیله و مرداب گندآلودی را می‌ماند که موزیان و گزندهای دیگری مانند: بی‌گذشت بودن، کینه توزی و ستیزه جویی، دروغ، دورویی، شیطنت و نیرنگ، کفر و ناباوری را نیز در درون خود می‌پروراند و ویژگی‌های خوب مانند: خداپاوری، آشتی و خیرخواهی، صداقت، یک‌رنگی، دیگرگرایی، حیا و انصاف را در خود به لجن می‌کشاند و استحاله می‌کند.

؛و گر زرد بترسی، حسد مکن که حکیم

؛مَثَل زند که حسد هست درد بی‌درمان

بازگفتن از بیماری بدخیم بداندیشی و بدخواهی، همگون با آموزه قرآنی است و پایی نیست که بی‌راهه بپیماید یا جامعه را آفت‌زده بیانگارد و ناخواسته و ندانسته به کژی بکشاند. برادران یوسف، هرچند در جوار انسان کامل و با مددجویی از پدر، توبه کنند و بازگشتشان پذیرفته شود، ولی باز خداوند به خاطر اهمیت این داستان، در قرآن کریم از آن یاد می‌کند و به درس‌ها و عبرت‌های قصه رشک‌ورزی برادران یوسف اشاره می‌فرماید.

؛به ابنای زمان گر نیک هم باشی، مشو ایمن

؛که بر نیکویی یوسف، حسد بردند اخوانش

این بازگویی برای آن است که در تاریخ ماندگار شده و از جمله برادرانی، این داستان را بازآفرینی نکنند و بر آبروی یوسف دگری نیآویزند و پاکدامنی‌اش را به سان گرگ از هم ندرند.

؛تا حقد و حسد هست، پریشان سخنی هست

؛هنجار نفس، راست نباشد خفقان را

بازشناسی حسادت و پی‌آمدهای آن

رشک‌ورزی، حالتی نفسانی است و طنابی را می‌ماند که فرد حسود بر گردن دارایی و توان‌مندی و هوش و عزت و فضیلت دیگری افکنده باشد و آن را به طرفی که خود می‌خواهد و می‌پسندد، می‌کشاند و ممکن است کسی که بر او رشک ورزیده شده است، هیچ از این داستان، آگاهی نداشته باشد. آن سر این رشته که با جان حسود گره خورده است، یا آرزوی صرف است یا آرزویی است که پا به میدان عمل گذارده است. حسود در این آلودگی، یکی از گزینه‌های زیر را آرزو می‌کند یا برای تحقق بخشی آن وارد عمل می‌شود:

۱. آرزوی جابه‌جا شدن دارایی و فضیلت دیگری را (به سود خودش و یا سود دیگری) در دل می‌پروراند.

۲. دارایی و فضیلت دیگری را تنها برای خود می‌خواهد.

۳. می‌خواهد آن دو را از دیگری برای خود بستاند.

۴. نابودی دارایی دیگری را می‌خواهد، هرچند به او هیچ نرسد.

بنابر گزارشی، حسود، کسی است که تنها نابودی دارایی دیگری را بخواهد. البته این ویژگی چه آشکار شود و چه به صورت یک ویژگی پنهانی و خاموش بماند، حسادت نام دارد. با این تفاوت که اگر در حد یک حالت نفسانی باشد، تنها به صاحبش زیان می‌رساند و اگر آشکار

شود، هم برای حسود و هم اطرافیان و دیگران، خطر آفرین است، چنان که قرآن کریم فرماید: «مِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ» (فلق: ۵)

حیلت اندوز و رشوه‌خوار و حسود

خانمان سوز و خاندان‌پرداز

### حسد در قرآن کریم

از حسد، چند مرتبه در قرآن کریم یاد شده است:

بسیاری از اهل کتاب، از روی حسد - که در وجود آنها ریشه دوانده - آرزو می‌کردند شما را پس از اسلام و ایمان، به حال کفر بازگردانند؛ با اینکه حق برای آنها کاملاً روشن شده است. شما آنها را عفو کنید و گذشت کنید تا خداوند فرمان خودش (فرمان جهاد) را بفرستد.

خداوند بر هر چیزی تواناست. (بقره: ۱۰۹)

آیا نسبت به مردم (= پیامبر و خاندانش)، بر آنچه خدا از فضلش به آنان بخشیده، حسد می‌ورزند؟ ما به آل ابراهیم، (که یهود از خاندان او هستند نیز) کتاب و حکمت دادیم و حکومت عظیمی در اختیار آنها (= پیامبران بنی اسرائیل) قرار دادیم. (نساء: ۵۴)

### حسد در حدیث

بر پایه آموزه‌های دین اسلام، حسادت، تکرار داستان رشک‌ورزی قابیل و برادران یوسف و بیماری روحی و ریشه کفر است. ابتلا به ویژگی قابیل و برادران یوسف، بیانگر ایستایی در تکامل، آن هم در کنار ولیّ خدا است. گویا هنوز کسی در آغازین راه آفرینش و در کنار پیامبر خدا، خود را در ورطه قُوّه، آلوده کرده و ایستاده و در راه انسانی پیش‌تر نمی‌آید. هر چند به گواهی نگاه ژرف، باطن حسود از ایمان تهی است، ولی در ظاهر او بی‌ایمان نیست و همواره از باورمندی دم می‌زند. اگر تنها به ظاهر بنگریم و بدان حکم کنیم، باید گفت حسود، باوری سطحی و آفت زده دارد. او حتی موجود ملکوتی را تنزل می‌دهد، حسود و تربیت نشده معرفی می‌کند و آنها را حسود می‌انگارد یا از این راه حسادت خود را بر فراز می‌برد و قدسی می‌نماید و تحسین هم‌جنسان خود را برمی‌انگیزاند.

امام علی علیه‌السلام که از حسادت دیگران زمین‌گیر شده بود فرماید: (روزی) نزد رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله از رشک ورزی کسی که بر

من حسادت می‌کرد، گلایه کردم. آن حضرت فرمود: آیا خوشنود نمی‌شوی من و تو از نخستین کسانی باشیم که به بهشت وارد

می‌شویم....

همانا حسد بُرد بر حالشان

ز زمانه تبه کرد احوالشان

حسد برد بر حال او روزگار

شدش لقمه عافیت، ناگوار

انسان حسود که در خیرخواهی بی استعداد و نصیحت‌ناپذیر است، برای نشان دادن گران‌چشمی خود و رسیدن به هدف، هر ناروایی را روا می‌شمرد و به هر چه پیش آید، دست می‌برد و چنگ می‌زند. تنها برای اینکه مورد حسادت به سود دیگری تحقق نیابد، با هوچی‌گری، هزاران حيله می‌کند. غیبت، تهمت، جادوگری، خرافات‌گرایی، دعانویسی و آبروریزی شخص رشک‌برده شده، بهره‌جویی از فامیل، دوست، آشنا، بیگانه و به کار گرفتن شخصیت‌های حقوقی برای دشمن‌تراشی، گردآوری نیرو و لشکرسازی را در این راه مجاز می‌انگارد و عجیب، در فهم آبرو، کُندذهن می‌نماید. او برای تحقق نیت پلیدش، خدا و ارزش‌های فرازین را چونان گُرز آهنین در دست می‌گیرد و با سوگندهای دروغ به خدا و به قیمت تنزل دادن و گِل‌مالی کردن ارزش‌های متعالی و وجود ملکوتی، بر آن است تا به خواسته‌های خود برسد. آبرو، خون و جان و مال و هیچ ارزشی در برابر شتردلی و تنگ‌چشمی او، ارج و قیمت ندارد. به راستی، هر کس دیواره باورش کوتاه است، همواره ته‌مانده ایمان او در معرض یغمای فروماپیگی‌های اخلاقی قرار دارد.

حسد را نیز دزدی قوی دان

که دارد همچو شیطان، قصد ایمان

برای مثال، پنجره بنایی را خوش ندارد، ولی از در آن بد می‌گوید. از دیوار، کف، سقف، گچ، رنگ، نور، مترآژ و وسعت خانه و کُلّ ساختمان چنان بد می‌گوید که گویی این خانه بر گُسل بنا شده است. واقعیت این است که قوه درک او دچار مشکل شده است؛ مانند کسی که قوه بویایی و چشایی او به هم خورده و نسبت به مزه تلخ و شور و شیرین یا بوی خوش و تعفن، تشخیص خود را از دست داده است. از این رو، به جای علاج این بیماری، بر بیماری جان خود و وخامت اوضاع می‌افزاید.

زهر که ز کینه و حسد، آتش خشم برفروخت

او ز تنور آتشی سوی تنور می‌رود

او شاید برای توجیه حالت بیمارگونه و رفتار حسودانه خود، دیگران را مقصّر بدانند و بخوانند. مثلاً اگر از او پرسیده شود: چرا به همسایه خود حسد می‌کنی؟ در پاسخ بگوید: تقصیر اوست، چرا ساختمان بزرگ‌تری را بنا کرده است که من بر او رشک برم؟

زنجور حسد چاره‌ای از خبث ندارد

بیمار، نهفتن نتواند هزبان را

دین و باور حسود، گزند دیده است و در بزرگ‌ترین تور اهریمن گرفتار شده و بدترین گونه بیماری دل، به جانش افتاده است. حسد، ریشه بدی‌ها، مرکب درماندگی، زندان روان، درد بی‌درمان و تیره‌ترین زندگانی به شمار می‌آید. رشک ورزی، بیماری دوستی و از بین برنده آن است که دل آدمی را به داشته‌های دیگران مشغول می‌دارد. حسود با مقدرات خدایی و قسمت هم‌نوعان در ستیزه است. وی از شادی دیگران، غمناک می‌شود و پیوسته در دل، آه و اندوه دارد و کینه کسی را در دل می‌پروراند که بی‌گناه است.

زهر که از داغ حسد بر دل او مَه‌ری هست

مِحضر ریختن خون برادر دارد

حسد، مادر و پروراننده کینه توزی شدید است و به جسم و جان آسیب می‌رساند. حسادت چنان که آتش، هیزم را بلعد، خورنده نیکی هاست و فرجامش، بدبختی دنیا و آخرت است. آنکه دلی پارسا دارد، خیالش در معرکه حسادت و جرگه حسودان پای نمی‌گذارد.

دور گردیدم از این قوم حسود

عاشق حق را جز این چاره چه بود؟

حسد، پوست قلب را می‌کند (و باور و ایمان زندگی بخش را از جان انسان می‌مکد)، چنان که گنه پوست را می‌دراند و خون را می‌مکد.

بِنگر حسادت در نهادش چون نهاده

بِبر دیدگانش کاسه‌ای از خون نهاده

بِبیچاره‌اش کرده، ز دین بیرون نهاده

ترسم بمیرد از تبش، ناکرده درمان

آن کس که سوزد خویش را درگیر کرده

از شعله‌اش هم عده‌ای را پیر کرده

شاید تنور جان خود را سیر کرده!

اما کجا خواهد برد حال پریشان؟

ای کاش این تب از حرارت سرد می‌شد

آزاد جان هر زن و هر مرد می‌شد

واکسینه جان‌ها جمله از این درد می‌شد

و آن‌گه ببین از این گذر، دنیا گلستان

چون در حسادت مانده، افساری ندارد

خود را در آن سوزانده، هشیاری ندارد

از آنچه گفتم خواننده را کاری ندارد

امیدوارم باز گردد حال ایمان

حسود، یک انسان گزنددیده سطحی‌نگر و هول‌انگیز است، نه یک انسان بی‌گزند خودساخته و امنیت‌بخش. چیزی که برای برخی از مردم

هیچ مفهوم ندارد، خودسازی است؛ یعنی حاضرند تنگ‌چشم و شتردل یا مانند علف هرز زندگی بگذرانند، ولی با همه قابلیت‌ها و

ظرفیت‌های انسانی، به بار نشینند و از بود و وجودشان، گل و میوه انسانیت برنیاید. شاید این اندازه را هم نفهمند. «أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ

مِنَ الْجَاهِلِينَ؛ به خدا پناه می‌برم از اینکه از گروه نادان باشم». (بقره: ۶۷)

می‌بایست با پاکسازی دل از حسادت نسبت به دوست، آشنا، همکار، دور و نزدیک، در محل کار، درس، خانه و جامعه، بی‌ناباوری و کفر را

ویران ساخت و شرف حضور مطهر و معطر به بارگاه قدسی پروردگار را سزاوار شد. علی علیه‌السلام می‌فرماید: «الحسود لا یسود.» حسود

در دنیای فرودین، سیادت ندارد و سود نمی‌برد، چه رسد به عالم فرازین. رشک‌ورزی، ژرفاندیشی نگاه انسان را در کیش، به کندی می‌کشاند و خود پی‌ریز بازمانده شدن از دریافت‌هایی است که به دل و جان آدمی، تازگی و شکوه می‌بخشد. حسود، نمی‌تواند حاملان و حقیقت‌های فراسویی را ببیند و دست به نور آسمان ببرد و از خوشه‌های درخشان آن قَبسی برگیرد؟ جان حسود کجا و دریافت‌های متعالی کجا؟

دره نیابد بر دری از آسمان، دنیاپرست

در نه‌بگشایند بر وی، گر چه درها واستی

### سه راهکار در برابر حسود

در صورت دست یافتن به نعمتی، سه کار شایسته و بایسته است:

۱. **کتمان**؛ یعنی پنهان نگاه داشتن دارایی مادی و معنوی از نظر تنگ‌نظران تا از خطر گرسنه‌دلی آنان ایمن بماند. می‌بایست راز دل و به‌ویژه امروزه امور مربوط به خانه و خانواده و برنامه‌های مادی و معنوی را از دید افراد شتردل و شرور پوشیده داشت که کتمان، بهتر و راحت‌تر از علاج و جبران است. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرماید: «إِسْتَعِينُوا عَلَىٰ أُمُورِكُمْ بِالْكَتْمَانِ فَإِنَّ كُلَّ ذِي نِعْمَةٍ مَّحْسُودٌ؛ بر امور زندگی خود از کتمان یاری بجوید که هر صاحب نعمتی در معرض حسادت (افراد بد طینتِ تنگ‌نظر) است».

نگذاریم کسی یا ناکسی در زندگی مان آتش افکند که این، زحمتش کمتر از زحمتِ فرو نشانیدن شعله‌های آن است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْأَجْرَارُ؛ ای اهل ایمان، خود و خانواده‌تان را از آتش دور نگه دارید، چنان آتشی که مردم و سنگ خارا، آتش افروز آند». (تحریم: ۶)

نیازی نیست که از برنامه‌ها و خواسته‌ها و تصمیم‌ها مان نزد افراد تنگ‌نظر و بدخواه و بداندیش، سخنی بگوییم. امام صادق علیه‌السلام فرماید: «إِيَّاكَ أَنْ تُخْبِرَ النَّاسَ بِكُلِّ حَالِكَ فَتَهُونَ عَلَيْهِمْ». هرگز سختی‌ها و بیچارگی‌های خود را برای مردم بازگو نکن؛ زیرا اولین نتیجه‌اش این است که تو در نظر آنها، در زندگی، شکست خورده جلوه می‌کنی و در نگاه‌ها، حقیر می‌شوی و شخصیتت از میان خواهد رفت.

بازگفتن تصمیم بر کاری با هر کس و ناکس، پس از اندیشیدن در آن و مشورت با اهل، در صد احتمال ناکامی و خرابی را بالا می‌برد. از یاد نبریم که در جوار هر پیروزی، غروری از درون و حسادت از بیرون در کمین پیروز ناهوشیار است. پس همواره به احتیاط بگذرانیم و به بدخواهان و بداندیشان نااهل، اعتماد نکنیم و مشکلات و تصمیم‌های خود را با آنها در میان نگذاریم.

تصیحت تو به من، همه از آن بابت است

که عاجزی ای حسود، بلند چون من پری

۲. در صورت برملا شدن دارایی و توان‌مندی و فضیلت و سر برآوردن حسادت دیگران می‌بایست از شر بداندیشی و

بدخواهی آنان به پروردگار پناه برد، چنان‌که در سوره فلق فرموده است.

«قل»؛ امر خدایی است. در مبارزه با حسود، خدا به میدان می‌آید.

«اعوذ»؛ پناه بردن که سختی مبارزه انسانی با پدیده حسادت را می‌رساند.

«رب»؛ ذکر واژه «رب» در قرآن کریم ناظر به تربیتی بودن مسئله است. در این شرایط به پروردگار سپیده‌دم پناه ببر که عهده دار تربیت توست.

«فلق»؛ سپیده دم.

«مِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ»؛ خطر حسادت پس از پدیدار شدن آن است.

### ۳. نیکی و بخشش:

امام علی علیه‌السلام فرمود: «رشک‌بران خویش را با احسان به آنان شکنجه کن»؛ زیرا به فرموده آن حضرت: «الْحَسُودُ لَا شِفَاءَ لَهُ»؛ حسود بهبود ندارد. امیدی نیز به بهبودی او نیست و او جز با نابودی دارایی دیگری، درمان نشود: «الْحَاسِدُ لَا يَشْفِيهِ إِلَّا زَوَالُ النَّعْمَةِ». رشک‌ورزی در حق دیگری، عذاب خدایی است: «الْحَسَدُ أَحَدُ الْغَدَابِئِنِ». اگر در دنیا دو شکنجه باشد، حسادت یکی از آن دو است. همچنین باید دانست در توان کسی نیست تا عذاب خدا را برطرف سازد جز خود آن حضرت: «إِلَّا مَا رَجِمَ رَبِّي».

منابع :

noorportal.net